

حوزه و دانشگاه، نیازمند وحدت در عمل



سابقه شکل‌گیری نهادهای علمی در ایران به قدمت تاریخ ایران است؛ نهادهایی تاثیرگذار که تا سال‌ها ایران را در کانون توجه اندیشمندان قرار داده بود و اگر نبود تحولات سیاسی و ناکارآمدی برخی سلسله‌های حکومتی، ایران باید امروز با تکیه بر آن تاریخچه فرهنگی، علمی و تمدنی در جایگاهی بی‌مانند در عرصه تولید علم می‌نشست.

سابقه شکل‌گیری نهادهای علمی در ایران به قدمت تاریخ ایران است؛ نهادهایی تاثیرگذار که تا سال‌ها ایران را در کانون توجه اندیشمندان قرار داده بود و اگر نبود تحولات سیاسی و ناکارآمدی برخی سلسله‌های حکومتی، ایران باید امروز با تکیه بر آن تاریخچه فرهنگی، علمی و تمدنی در جایگاهی بی‌مانند در عرصه تولید علم می‌نشست.

با وجود این که هنوز هم کم نیستند صاحبزنانی که با یادآوری چهره‌های شاخص ایرانی در طول تاریخ بر ظرفیت‌های علمی ایرانیان گواهی می‌دهند، ولی برخی نابسامانی‌های سیاسی، تضادهای مذهبی، استعمار خارجی و ناکارآمدی سیاسی نظام‌های داخلی در قرن‌های گذشته، مانع از آن شد که آن میراث قدرتمند، کاملاً به نسل امروز منتقل شود.

با وجود این در ایران معاصر نیز فرآیند تولید علم ادامه یافته و با وجود همه مشکلات پیش رو در قالب پروژه‌های علمی منحصر به فردی ادامه می‌یابد. شاید آنها که آن سوی مرزها با حیرت به دستاوردهای ایرانیان در حوزه انرژی هسته‌ای، شبیه‌سازی، نانوتکنولوژی، تولید تکنولوژی‌های روز نظامی و ارتباطی و... می‌نگرند، از یاد برده باشند دانشمندان امروز از فرهنگ غنی علمی و تاریخی ایرانیان بهره برده و با تکیه بر آن، امروز به دستاوردهایی رسیده‌اند که کمتر می‌توان سراغی از آن را در کشورهایی در سطح مشابه یافت.

ضرورت قد برافراشتن علم مدرن در سایه نهادهای سنتی تولید علم

صاحبزنان در حوزه تولید علم معمولاً مهم‌ترین عامل رشد علمی کشورهای مختلف را پیوستگی مسیر رشد و فعالیت‌های علمی و نیز عدم انقطاع در این زمینه می‌دانند.

چنین است که هرچند تاریخ پرفراز و نشیب ایران، فرصت بالندگی علمی را چنان که باید نداده، ولی دستاوردهای نوین علمی با تکیه بر تولید علم در نهادهایی به نتیجه رسیده است که از گذشته نوعی تفکرگرایی و عقل‌باوری را مورد توجه قرار داده‌اند. بی‌تردید آنها که نمی‌خواسته‌اند شاهد شکوفایی علمی ایران و بالندگی این کشور از نظر پیشرفت‌های تکنولوژیکی باشند، همواره تلاش کرده‌اند نوعی جدایی میان ساحت‌های مختلف تولید علم ایجاد کرده و همگرایی در این حوزه را با مشکل روبه‌رو کنند. تاکید بسیار برخی صاحبزنان غربی بر غیرکارآمد بودن علوم دینی و فلسفه کهن در دست یافتن به دستاوردهای نوین علمی، نشان از آن دارد که در برخی اندیشه‌ها، زیرپا گذاشتن تجربه علمی گذشته، نوعی فضیلت به شمار می‌رود، هرچند در سنت پیشرفت‌های علمی غرب، چنین گسستی قابل مشاهده نبوده و مسیر حرکت به سوی علم مدرن از دل تحول در اندیشه‌های علمی معطوف به گزاره‌های دینی شکل گرفته است.

افراطیون؛ سد راه وحدت حوزه و دانشگاه

با وجود این در تاریخ معاصر کشورمان، آنگاه که رضاخان به تقلید از غرب، پایه‌گذار اولین نهاد دانشگاهی ایران شد تا راهی را که از دوره امیرکبیر در ایجاد مدارس نوین آغاز شده بود ادامه دهد، به دلیل غلبه نوعی تفکرات غربگرا در کشور تلاش نشد نهادهای مدرن علمی از دل نهادهای سنتی تولید علم و به طور مشخص حوزه‌های علمیه بیرون آید. اگر در آن دوره دانشگاه می‌توانست مستقل از تفکرات غربگرایانه رژیم پهلوی از دل نهادهایی که تجربه‌ای بسیار در تولید علم داشتند برخیزد، بی‌تردید امروز کشور با دغدغه بومی‌سازی مباحث علمی روبه‌رو نبود.

این موازی‌کاری در حوزه نهادسازی علمی در کشور ادامه یافت تا این که با ایجاد تحول در حوزه‌های علمیه به سبب نقش آفرینی امام خمینی(ره) و نیز دغدغه‌های سیاسی - اجتماعی دانشگاهیان، همزمان با پیروزی انقلاب، فرصتی برای نزدیک شدن دانشگاه‌ها و حوزه‌ها فراهم آمد و حضور برخی چهره‌های حوزوی - دانشگاهی در رأس تصمیم‌گیری‌های علمی کشور، نوید همگرایی این دو نهاد علمی را داد. شهید مطهری و شهید مفتاح، دو چهره مطرح حوزوی بودند که با حضور در دانشگاه تلاش داشتند مانع از ایجاد دوقطبی شدن میان «علم مدرن - سکولار» و «علم دینی» شوند؛ همان تفکیکی که عملاً گروه‌های لیبرال و مارکسیستی درصدد القای آن بودند و نتیجه‌ای جز شکل‌گیری نوعی التقاط ناصواب نداشت.

بدیهی بود که این روند از سوی افراطیونی که تحت تاثیر برخی مباحث روشنفکری به دنبال زیر سوال بردن اساس علم دینی بودند، برتابیده نمی‌شد و به همین دلیل، هم شهید مطهری و هم شهید مفتاح به دست یک گروه تروریستی تندرو با اندیشه‌های افراطی به شهادت رسیدند. گروهی که مهم‌ترین هدفش، ممانعت از آشتی نهاد علم مدرن یعنی دانشگاه و نهاد علوم دینی، یعنی حوزه‌های علمیه بود.

راه ناهموار وحدت و رسالت اهل علم

امام خمینی(ره) با درک درست چرایی ترور چهره‌های حوزوی - دانشگاهی، در اقدامی هوشمندانه، سالروز شهادت شهید دکتر آیت الله مفتاح (بیست و هفتم آذر 58) را روز وحدت حوزه و دانشگاه نام نهادند تا به این ترتیب نشان دهند یکی از اهداف انقلاب، نزدیک کردن این دو نهاد تولید علم در کشور است؛ نهادهایی که هرچند یکی متکی بر خرد ابزاری، به سوی تکنولوژی و رهیافت‌های جدید در حوزه علوم انسانی گام برمی‌دارد و دیگری با استفاده از میراث علمی به یادگار مانده از علمای دینی، می‌

خواهد زیست امروزی را با استفاده از الگوهای علمی باسابقه سامان دهد، ولی هر دو در هدف، سعادت زیست انسانی و نیز رسیدن به استقلال علمی و پژوهشی کشور را پیگیری کرده و همگرایی آنها می تواند پیشرفت مادی و تامین نیازهای معنوی انسان امروز را هر دو با هم تامین کند.

راه همگرایی حوزه و دانشگاه چندان هموار نیست؛ از یک سو تبلیغات غربی، نهادهای سنتی تولید علم را هدف گرفته و از سوی دیگر برخی گروه های تندرو به نهاد علم مدرن یعنی دانشگاه ها بدگمانند. به همین دلیل در سه دهه گذشته از پیروزی انقلاب، روند نزدیکی این دو نهاد علمی با شتابی که انتظار می رفت پیش نرفته و حاشیه های عمدتاً سیاسی بر متن سایه انداخته است. در چنین موقعیتی، روشن است نسل جدید دانشجویی و حوزوی باید با دفاع از ایده حضرت امام خمینی(ره) و یکی از آرمان های انقلابی برای نزدیکی، همراهی و همگرایی حوزه و دانشگاه بکوشند تا شاید از دل آن، مکاتب تازه ای در حوزه نظریه پردازی علمی، متکی بر نیازهای مادی و معنوی انسان امروز استخراج شود.

حوزه و دانشگاه؛ وحدت در هدف

رهبر معظم انقلاب طی بیاناتی در سال 1369، فصل مشترک حوزه و دانشگاه برای نزدیکی و همگرایی را رسیدن به یک هدف مشترک تبیین کرده و فرمودند که «وحدت حوزه و دانشگاه یعنی وحدت در هدف و هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته مستقل، جامعه امام، جامعه پیشاهنگ، جامعه الگو حرکت نمایند.» ایشان همچنین یک سال پیش از آن در سخنانی درباره ضرورت رسیدن به نقطه مشترک در فرآیند تولید علم فرمودند: «در نظام اسلامی، علم و دین باید پایه پا حرکت کنند. هدف حوزه و دانشگاه یعنی این. ... دو شعبه از یک مؤسسه علم و دین. مؤسسه علم و دین یک مؤسسه است و علم و دین با هم است. این مؤسسه دو شعبه دارد، یک شعبه حوزه های علمیه و شعبه دیگر دانشگاه ها. باید این دو با هم مرتبط و خوشبین باشند، با هم کار کنند، از همدیگر جدا نشوند و از یکدیگر استفاده کنند.»

این بیانات بخوبی نشان می دهد چه حوزه و چه دانشگاه باید با استفاده از روش هایی که ممکن است از نظر متدولوژیک متفاوت باشد، اما هدف یکسانی را پیگیری می کند، برای ارتقای سطح علمی کشور تلاش کرده و نقصان های احتمالی یکدیگر را برطرف کنند.

چنانچه اشاره شد، هنوز هستند کسانی که به اهمیت این همگرایی راهبردی پی نبرده و برای شکست پروژه همگرایی دو قطب علمی کشور تلاش می کنند و همین مقاومت هاست که ضرورت ادامه خط فکری افرادی چون شهید مطهری و شهید مفتاح در حوزه و دانشگاه را دوچندان می کند.

تدوین پروژه های تحقیقاتی مشترک راهکاری برای همگرایی

هرچند طی سال های گذشته، سخنان بسیاری درباره اهمیت همگرایی حوزه و دانشگاه مطرح شده، اما مشکل اینجاست که به نظر می رسد هنوز یک راهکار عملیاتی مشخصی برای تحقق این همگرایی تعریف نشده و چه در سطح پذیرش فرهنگی این وحدت و چه در حوزه عمل به مکانیزم های مشترک، نقصان هایی جدی وجود دارد.

برای رفع این خلأ می توان پیشنهاد کرد که معاونت های پژوهشی حوزه های علمیه و دانشگاه ها با تشکیل یک کمیته مشترک، از طرح های تحقیقاتی که همزمان از سوی دو پژوهشگر، یکی حوزوی و دیگری دانشگاهی، ارائه می شود حمایت کرده و زمینه تشکیل تیم های مشترک حوزوی و دانشگاهی برای انجام تحقیقات هدفمند را ایجاد کنند. بسیاری از پایان نامه های موجود در دانشگاه ها بویژه در زمینه علوم انسانی، می تواند از سوی محققان حوزوی نیز مورد توجه قرار گرفته و زمینه یک کار مطالعاتی با دو روش تحقیق و اما یک هدف مشترک را فراهم آورد. شاید اگر اندک اندک تعریف چنین تحقیقاتی در دانشگاه ها و مدارس علمیه نهادینه شود، هم دانشجویان نزدیکی بیشتری به طلاب احساس کنند و هم روحانیون فاصله خود را با دانشجویان کم کنند.

همچنین نهادهای سیاستگذار در کشور نیز می توانند با استفاده از مطالعات ترکیبی انجام شده که هم صلاحیت های دانشگاهی را دارد و هم استانداردهای حوزوی را رعایت کرده، بدون دغدغه بومی نبودن برخی پژوهش ها از نتایج آن در فرآیند قانونگذاری و تصمیم گیری بهره برده و عملاً راه برای رفع بسیاری از خلأها باز شود.

ادامه رشد علمی کشور در گرو وحدت علمی

به این ترتیب در سالروز شهادت شهید مفتاح که الگویی برای همگرایی دو نهاد علمی اثرگذار کشور بود، باید بار دیگر یادآوری کرد پیشرفت علمی کشور تنها در کنار نهادن شیوه های قدیمی تر علمی یا طرد روش های نوین تحقیق و پژوهش نبوده و بهترین راه برای بومی سازی علوم بویژه در حوزه علوم انسانی، نه طرد یکطرفه حوزه یا دانشگاه، بلکه وحدت این دو نهاد است؛ وحدتی که نه در شعار و سخنرانی که در عمل در چارچوب تعریف پروژه های تحقیقی مشترک و آمودشدهای عالمانه محقق خواهد شد.

محمود هرندي / جام جم